

ادب و بی ادبی در رمان‌های نوجوانان فارسی‌زبان

حسین رحمانی^{۱*}، یحیی مدرسی^۲، مریم سادات غیاثیان^۳، بهمن زندی^۴

۱. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. استاد زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

۳. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۴. استاد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پذیرش: ۹۴/۵/۷

دریافت: ۹۴/۳/۱۱

چکیده

پژوهش حاضر در نظر دارد با استفاده از نظریه‌های کاربردشناسی زبان - نظری ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) و نظری بی ادبی کالپیر (۱۹۹۶) - در ادبیات داستانی، به بررسی راهبردهای ادب و بی ادبی در ده رمان برگزیده نوجوانان فارسی‌زبان بپردازد. جامع آماری پژوهش، رمان‌های نوجوانان فارسی‌زبان منتشرشده در فاصل سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۱ است. نمونه آثار بررسی‌شده بر پای معیارهای تألیفی بودن، گفت‌وگومحور بودن و موردتأیید بودن از سوی صاحب‌نظران در جشنواره‌ها، نقد و بررسی‌ها، جوایز دریافتی و ... انتخاب شده است. این پژوهش به دو پرسش اساسی پاسخ می‌دهد: ۱. استفاده شخصیت‌های نوجوان از راهبردهای ادب و بی ادبی در میان گروه همسالان و در برخورد با دیگر شخصیت‌ها چه تفاوتی دارند؟ ۲. به‌طور کلی، شخصیت‌های رمان نوجوانان، بیشتر از راهبردهای ادب استفاده می‌کنند یا از راهبردهای بی ادبی؟ نتایج به‌دست آمده از این پژوهش، براساس آزمون آماری خی‌دو، حاکی از آن است که شخصیت‌های نوجوان در این رمان‌ها در میان گروه همسالان از راهبردهای بی ادبی بیشتر استفاده می‌کنند و در برخورد با دیگر شخصیت‌ها بیشتر از راهبردهای ادب استفاده می‌کنند. افزون‌براین، در رمان‌های نوجوانان فارسی‌زبان شخصیت‌ها با اختلاف معنی‌داری، بیشتر از راهبردهای ادب استفاده می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: ادب، بی ادبی، کاربردشناسی، رمان نوجوانان فارسی‌زبان، کاربردشناسی زبان.



۱. مقدمه

از زمانی که براون و لوینسون^۱ (1987) نظریهٔ ادب خود را مطرح کردند، تعاریف گوناگونی از ادب^۲ ارائه شده است ولی با گذشت چندین دهه از مطالعهٔ آن (Sifianou, 1992: 82-83; Eelen, 2001: 30-86) تعریفی که همهٔ پژوهشگران آن را پذیرفته باشند، هنوز ارائه نشده است. واتس^۳ معتقد است که «ادب/بی‌ادبی^۴ واژه‌ای است که در زمان حال، بر سر آن مناقشه می‌شود، در گذشته نیز بر سر آن مناقشه می‌شده است و با احتمال بسیار، در آینده نیز بر سر آن مناقشه خواهد بود» (9: 2003). با وجود این، در همهٔ تعریف‌های ارائه‌شده نکتهٔ بارزی برای ادب یافت می‌شود و آن اینکه ادب «وسیله‌ای برای رعایت وجههٔ دیگران» است (Holmes, 1995: 4). براساس نظریهٔ براون و لوینسون، که ریشه در مفهوم وجههٔ گافمن^۵ و اصول گرایس^۶ دارد، هر رفتاری که در راستای تلاش برای حفظ وجههٔ مخاطب است مؤدبانه است؛ بنابراین، هر رفتار که با هدف حمله به وجههٔ مخاطب انجام شود، بی‌ادبانه است. از سال ۱۹۷۳ کاربردشناسان و جامعه‌شناسان زبان بیشتر بر گفتمان ادب تمرکز کردند و دربارهٔ بی‌ادبی عمدتاً غفلت کردند. در سال ۲۰۰۱، ایلن این مطلب را خاطر نشان کرد؛ چاپ کتاب‌های متعدد در زمینهٔ ادب و کمبود پژوهش در زمینهٔ بی‌ادبی دال بر این ادعاست که میان ادب و بی‌ادبی که به هم نیز مربوطاند، توازن وجود ندارد. براساس نظر کالپپر (1996: 350) پژوهش‌های کریگ^۷ و دیگران (1986)، تریسی^۸ (1998)، لیکاف^۹ (1989) و پنمن^{۱۱} (1990) «به صورت جامع بر بی‌ادبی تمرکز نکرده‌اند و به شناخت ما از کارکرد و اساس نظری آن کمی نکرده‌اند». کالپپر بی‌ادبی را «راهبردهای ارتباطی»^{۱۲} می‌داند که برای «حمله به وجهه» برنامه‌ریزی شده است که «باعث تعارض»^{۱۳} و ناهماهنگی اجتماعی^{۱۴} می‌شود (Culpeper et al., 2003: 1546) مطالعهٔ ادب در زبان فارسی و سایر زبان‌ها، به ویژه زبان انگلیسی، شامل بررسی‌های کاربردشناسی، تمرکز بر متغیرهای اجتماعی — مانند قدرت^{۱۵}، فاصلهٔ اجتماعی^{۱۶} و جنسیت^{۱۷} — شناسایی راهبردهای ادب براون و لوینسون و مواردی از این دست بوده است.

جامعه آماری این پژوهش دربرگیرنده ۲۵۲ رمان نوجوانان است که در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۱ چاپ شده‌است و نمونه پژوهش ده رمان برگزیده - *لالایی برای دختر مرده* (شاه‌آبادی، ۱۳۸۶)، *طبقه هفتم غربی* (خانیا، ۱۳۸۷)، *پل معلق* (بایرامی، ۱۳۸۳)، *گردان قاطرچی‌ها* (امیریان، ۱۳۹۰)، *من نوکر بابا نیستم* (اکبرپور، ۱۳۸۲)، *گرگ‌ها از برف نمی‌ترسند* (بایرامی، ۱۳۸۷)، *گواتی* (یوسفی، ۱۳۸۲)، *اولین روز تابستان* (گلشیری، ۱۳۸۹)، *من یک مرد عنکبوتی شبیه رستم خواهم شد* (بابامرندی، ۱۳۹۱)، *شب گربه‌های چشم سفید* (خانیا، ۱۳۸۰) - است که براساس معیارهای تألیفی بودن، گفت‌وگو محور بودن و موردتأیید بودن ازسوی صاحب‌نظران در جشنواره‌ها، نقد و بررسی‌ها، جوایز دریافتی و ... انتخاب شده است. در توصیف داده‌ها، به نظریه ادب براون و لوینسون (1987) و نظریه بی‌ادبی کالپپر (1996) استناد شده است و در تحلیل داده‌ها، آزمون آماری خی‌دو به‌کار رفته‌است.

پژوهش حاضر کوششی است در راستای پاسخ به این سؤال که استفاده شخصیت‌های نوجوان از راهبردهای ادب و بی‌ادبی در میان گروه همسالان و در برخورد با دیگر شخصیت‌ها چه تفاوتی دارند؟ و نیز این پرسش که به‌طورکلی، شخصیت‌های رمان نوجوانان، بیشتر از راهبردهای ادب استفاده می‌کنند یا از راهبردهای بی‌ادبی؟ برای پاسخ به پرسش نخست، راهبردهای به‌کارگرفته‌شده توسط همه شخصیت‌ها شناسایی شده و براساس نظریه ادب و بی‌ادبی ارزیابی شده است. برای پاسخ به قسمت اول پرسش دوم گفت‌وگوهایی بررسی شده‌اند که در آن، دو طرف گفت‌وگو نوجوان است و برای پاسخ به قسمت دوم گفت‌وگوهایی بررسی شده‌اند که در آن یک نوجوان با فردی بزرگ‌تر از خود گفتگو کرده است. سپس راهبردهای به‌کاررفته شخصیت‌ها در هر قسمت براساس نظریه ادب و بی‌ادبی و با استفاده از آزمون آماری خی‌دو بررسی شده است.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعه ادب شامل بررسی‌های کاربردشناسی، تمرکز بر متغیرهای اجتماعی - مانند قدرت، فاصله اجتماعی و جنسیت - شناسایی راهبردهای ادب براون و لوینسون و مواردی از این دست بوده است. نینگ^{۱۸} (2008) به تبیین روابط متخاصمانه یک کلنل پیر بدبین با یک



پسر دانشجو در آغاز داستان و تغییر این رابطه به رابطه‌ای دوستانه در اثر برخورد با یک دختر زیبا در آخر داستان، با استفاده از راهبردهای ادب منفی و ادب مثبت در مدل ادب براون و لوینسون پرداخته است. حاجی محمدی (۱۳۸۹) زبان غیرمؤدبانه در زبان زنان و مردان فارسی‌زبان تهرانی را با توجه به عوامل اجتماعی سن و جنسیت بررسی کرده است. کانتارا^{۱۱} (2010) بر راهبردهای بی‌ادبی به‌کاررفته توسط شخصیت‌ها در سریال تلویزیونی «خانه ام. دی»^{۲۰} و پاسخ به آن‌ها و نیز دلایل یا مقاصد استفاده از بی‌ادبی براساس کالپیر (1996) متمرکز شده است. هاف^{۲۱} (2010) نشان داده است افراد درک کاملاً متفاوتی از رفتارهای موهن دارند. احمدیان و اسلامی راسخ (2011) بر این عقیده‌اند که ایرانی‌ها تمایل آن‌چنانی به سرزنش‌کردن ندارند و درعین‌حال آمریکایی‌ها کمتر از سرزنش اجتناب می‌کنند. بهنام و نیرومند (2011) به بررسی شیوه‌های تأثیر روابط قدرت بر راهبردهای ادب در کنش‌گفتار مخالفت پرداخته‌اند. علامی و نکوزاده (2011) معتقداند که ایرانی‌ها، از راهبردهای هدیه‌دادن به شنونده، اغراق و نشانگرهای میان‌گروهی در واکنش به خبر خوب دیگران استفاده می‌کنند. یافته‌های رفیعی‌سخایی (۱۳۹۰) در تحلیل دیالوگ نمایشنامه *از تاریکی* (اثر محمد یعقوبی) و *ملودی شهر بارانی* (اثر اکبر رادی) حاکی از آن است که شخصیت‌هایی با قدرت نسبی کمتر، بیشتر به وجهه مخاطب خود توجه دارند و در تعاملات خود ادب بیشتری را رعایت می‌کنند. از نظر شکاری (۱۳۹۰) فردی با قدرت کمتر ترجیح می‌دهد از راهبردهای ادب منفی استفاده کند؛ درحالی‌که فردی با قدرت بیشتر، مایل به استفاده از راهبردهای ادب مثبت است. کاترون^{۲۲} (2011) به بررسی ادعای جهان‌شمولی نظریه براون و لوینسون پرداخته است. شاهرخی و مهد (2012) نمودهای عذرخواهی مردان فارسی‌زبان را بررسی کرده‌اند. صادقی (2012) تأکید کرده است که مردان قدرت بیشتری را به‌کارمی‌گیرند و بیشتر بر وجهه منفی متمرکزاند و کمتر ادب را رعایت می‌کنند. سلمانی ندوشن (2012) معتقد است که بی‌ادبی و دیگر واژه‌هایی که در بی‌ادبی به‌کارمی‌روند، مبهم هستند. نیرومند (2012) به بررسی راه‌های تأثیر قدرت بر راهبردهای ادب در مخالفت پرداخته است. مورنی و سولین^{۲۳} (2012) پاره‌گفت‌های بی‌ادبانه را در داستان‌های چاپ‌شده ناشران اندونزیایی براساس تعالیم قرآنی بررسی کرده‌اند. از نظر سیفیانو (2012)، مخالفت، چندوجهی و چندکاره است و برای

تفسیر آن می‌بایست پارامترهای مختلفی را در بافت وقوع آن بررسی کرد. فبریانوس وانتورو^{۲۴} (2012) دریافته‌اند که واژه‌های تابو همیشه بی‌ادبی به‌شمار نمی‌روند و براساس فرد، مکان و زمان می‌توان آن‌ها را تفسیر کرد. خدایی‌مقدم (۱۳۹۲) نشان داده است که فارسی‌زبانان گفتار مؤدبانه را فقط برای انجام کنش‌های تهدید کننده و وجهه به‌کار نمی‌برند، بلکه آن را جهت حفظ و تقویت وجهه و احترام به دیگران نیز به‌کار می‌گیرند. از نظر آیدین اوغلو^{۲۵} (2013) مردان در گفتارشان بی‌ادب‌تر از زنان هستند و فراوانی انواع راهبردهای بی‌ادبی به‌کاررفته توسط زنان و مردان با یکدیگر متفاوت است. ویوو و کانتیارا^{۲۶} (2013) در بررسی بی‌ادبی مبتنی بر راهبردهای بی‌ادبی جاناتان کالپیر در نظرات فوتبالی اینترنتی نشان می‌دهند که اندونزیایی‌ها بیشتر از راهبردهای بی‌ادبی مثبت برای بیان رفتار منفی و نظردادن استفاده می‌کنند و نیز از میان پنج راهبرد بزرگ بی‌ادبی، اندونزیایی‌ها فقط از ممانعت از ادب استفاده نمی‌کنند. پژوهش حاضر از جهات مختلف در عرصه مسائل مختلف زبان‌شناختی و ادبیات به شکل قابل‌ملاحظه‌ای نوآوری دارد: این پژوهش برخلاف دیگر پژوهش‌ها بر داده‌های برگرفته از اجتماع متمرکز نیست، بلکه در عرصه ادبیات از راهبردهای ادب و بی‌ادبی استفاده می‌کند و متمایز از دیگر پژوهش‌ها، متمرکز بر یک و یا حداکثر چند راهبرد محدود نیست و همه راهبردهای ادب و به‌ویژه بی‌ادبی را بررسی کرده است. قابل‌ملاحظه‌تر آنکه بررسی ادب و بی‌ادبی نه‌تنها در ایران، بلکه در سطح جهانی نیز در عرصه ادبیات نوجوانان انجام نشده است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش، نظریه ادب براون و لوینسون (1987) و نظریه بی‌ادبی کالپیر (1996)، از پیشگامان نظریه ادب و بی‌ادبی در جامعه‌شناسی زبان است که در زیر، کوتاه توضیح داده شده است.

۳-۱. نظریه ادب براون و لوینسون (1987)

مشهورترین نظریه ادب که «تقریباً بر تمامی کارهای تحلیلی و نظری در این زمینه تأثیر



گذاشته است» (Mills, 2003: 57) متعلق به براون و لوینسون (1987) است. الگوی ادب آن‌ها در سال ۱۹۷۸ ارائه شد و در سال ۱۹۸۷ همراه با مقدمه‌ای انتقادی دوباره چاپ شد. آن‌ها نخستین کسانی بودند که راهبردهای زبانی مشترکی را در میان مردمانی با پیشینه زبانی مختلف مشاهده کردند و همین، اساس نظریه آن‌ها را فراهم آورد. نظریه ادب براون و لوینسون بیشتر بر مفهومی به نام وجه متمرکز است که نیاز به حفظ آن در افراد، در دو حالت نمایان می‌شود؛ وجه منفی^{۲۷}: «خواسته هر عضو بالغ با توانش زبانی مبنی بر اینکه دیگران مانع اعمال وی نشوند»، و وجه مثبت^{۲۸}: «خواسته افراد مبنی بر اینکه خواسته‌هایش برای دست‌کم بعضی از افراد مطلوب باشد» (Brown & Levinson, 1987: 62)؛ اما وجه از دست‌رفتنی و یا حفظ‌شدنی است و گاهی خواسته‌های آن محقق نمی‌شود؛ زیرا گوینده یا شنونده، آگاهانه و یا ناخودآگاه، مرتکب اعمالی می‌شوند که آن را تهدید می‌کند؛ این اعمال تهدیدکننده وجه^{۲۹} نیاز به تعدیل یا اصلاح دارند. بنابراین، گوینده براساس شدت عملی که مرتکب شده است، یکی از راهبردهای مختلف ادب را برای اصلاح عمل خویش برمی‌گزیند. این راهبردها متغیرهای ادب نظریه براون و لوینسون را تشکیل می‌دهند و عبارت‌اند از:

۱-۳-۱. بیان آشکار^{۳۰}

هرگاه طرفین گفت‌وگو بدانند که گوینده با چه هدفی عمل تهدیدکننده وجه را انجام داده است، به آن بیان آشکار گفته می‌شود.

۲-۳-۱. ادب مثبت^{۳۱}

۱. توجه به علایق، خواسته‌ها، نیازها و کالاهای مخاطب؛ ۲. اغراق (در علایق، حمایت و همدردی با مخاطب)؛ ۳. افزودن بر علاقه و رغبت مخاطب؛ ۴. استفاده از نشانگرهای میان‌گروهی؛ ۵. جستن توافق؛ ۶. پرهیز از مخالفت؛ ۷. پیش‌فرض/ ایجاد/ ادعای زمینه مشترک؛ ۸. جوک؛ ۹. بیان یا پیش‌فرض گرفتن اینکه گوینده از خواسته‌های مخاطب آگاه است و آن‌ها را می‌پسندد؛ ۱۰. پیشنهاد، قول؛ ۱۱. خوش‌بین‌بودن؛ ۱۲. درگیرکردن گوینده و شنونده در یک فعالیت؛ ۱۳. دلیل ارائه‌کردن (خواستن)؛ ۱۴. فرض را بر رابطه متقابل گذاشتن؛ ۱۵. هدیه دادن به مخاطب (کالا، همدردی، درک‌کردن، همکاری‌کردن).

۳-۱-۳. ادب منفی^{۳۲}

۱. بیان غیر مستقیم متداول؛ ۲. پرسش، نشانگر احتیاط؛ ۳. بدبین بودن؛ ۴. به حداقل رسانی تمحیل؛ ۵. احترام گذاشتن؛ ۶. عذرخواهی؛ ۷. شخص‌زدایی گوینده و شنونده؛ ۸. بیان عمل تهدیدکننده به صورت یک قانون عمومی؛ ۹. اسم‌سازی؛ ۱۰. بیان آشکارِ مدیون بودن به شنونده و عدم مدیون بودن شنونده.

۳-۱-۴. بیان مبهم^{۳۳}

۱. اشاره کردن؛ ۲. دادن نشانه‌های ارتباط؛ ۳. ازپیش‌فرض کردن؛ ۴. کم‌گویی؛ ۵. اغراق و مبالغه کردن؛ ۶. همان‌گویی؛ ۷. استفاده از تعارض؛ ۸. طنز آلود بودن؛ ۹. استفاده از استعاره؛ ۱۰. استفاده از پرسش‌های بلاغی؛ ۱۱. مبهم بودن؛ ۱۲. سرپیسته صحبت کردن؛ ۱۳. تعمیم بیش‌ازحد؛ ۱۴. جایگزین کردن مخاطب؛ ۱۵. ناقص بیان کردن، استفاده از حذف.

۳-۲. نظریه بی‌ادبی کالپیر (1996)

کالپیر نشان می‌دهد ادعای لیچ^{۳۴} (1983: 105)، مبنی بر اینکه «ارتباط متعارض در شرایط عادی در رفتار زبانی انسان حاشیه‌ای به‌شمار می‌روند»، نه تنها درست نیست، بلکه موقعیت‌هایی وجود دارد که گفتارهای متعارض نسبتاً کلیدی محسوب می‌شوند؛ او از مطالعاتی نام می‌برد که در آن‌ها مواردی مطرح می‌شود که نظریه‌های ادب قادر به توجیه آن نیست. از همین روی، «نه تنها لازم است موارد مثبت اجتماعی را مطالعه کرد، بلکه لازم است موارد منفی را نیز بررسی کرد. این نظریه مانند نظریه ادب براون و لوینسون (1987) از پنج راهبرد بزرگ تشکیل شده است که عبارت‌اند از:

۳-۲-۱. بی‌ادبی آشکار^{۳۵}

عبارات بی‌ادبی آشکار زمانی به‌کار می‌روند که وجهه در خطر زیادی است و نیز درجایی که گوینده قصد دارد به وجهه شنونده/مخاطب حمله کند.



۲-۲-۳. بی‌ادبی مثبت^{۳۶}

۱. نادیده‌گرفتن، بی‌اعتنایی^{۳۷} به دیگری؛ ۲. دیگری را از فعالیتی محروم کردن؛ ۳. با دیگری همراهی نکردن؛ ۴. نشان‌دادن علاقه، توجه و همدردی؛ ۵. استفاده از نشانگرهای هویتی نامناسب؛ ۶. استفاده از زبان سری یا مبهم؛ ۷. دنبال عدم توافق بودن؛ ۸. از توافق امتناع کردن؛ ۹. باعث ناراحتی / ناآرامی دیگری شدن؛ ۱۰. به‌کاربردن واژه‌های تابو؛ ۱۱. نام‌گذشتن بر شنونده و غیره.

۳-۲-۳. بی‌ادبی منفی^{۳۸}

۱. ترساندن؛ ۲. تحقیر کردن، خوار شمردن یا مسخره کردن؛ ۳. به حریم دیگری تجاوز کردن؛ ۴. به‌وضوح دیگری را با ویژگی منفی همراه کردن؛ ۵. آشکارا مدیون بودن مخاطب را گوشزد کردن؛ ۶. ممانعت به‌عمل آوردن و غیره.

۳-۲-۴. طعنه^{۳۹}

ادب ساختگی است و هدف آن «ناهماهنگی اجتماعی» است.

۳-۲-۵. خودداری از ادب^{۴۰}

سکوت کردن در جایی که عمل مؤدبانه مورد انتظار، ضروری و یا «اجباری» است.

۴. توصیف و تحلیل داده‌ها

در این بخش، به دلیل محدودیت در تعداد صفحات مقاله از ذکر تمامی نمونه‌های بررسی شده خودداری و به مواردی به‌عنوان نمونه اشاره می‌شود و در انتها این داده‌ها براساس آزمون خرد و تحلیل و بررسی می‌شوند.

۴-۱. توصیف داده‌ها

در این بخش گزیده‌ای از رمان‌های منتخب نوجوانان فارسی‌زبان، براساس نظریه ادب و

بی ادبی بررسی می‌شوند. هریک از راهبردهای شناخته‌شده ادب یا بی ادبی که در گفتار شخصیت‌ها نمود پیدا می‌کند، داخل پراگماتیک ذکر می‌شود.

۱-۴. لالایی برای دختر مرده

۱. قطعش کن می‌خوام زنگ بزنم. (بی ادبی آشکار)
۲. (با گریه) نمی‌شد یواش‌تر بگی؟ (ادب منفی - پرسش، نشانگر احتیاط)
۳. (گوشی را از دستش می‌کشد و می‌گوید) دوبار گفتم به روی خودت نیاوردی. (بی ادبی مثبت - باعث ناراحتی / ناآرامی دیگری شدن)
۴. بی خود کردی (بی ادبی آشکار)، تو کی گفتی؟ (تهدید وجهه مثبت مخاطب)
۵. می‌زنم تو دهنه‌ها! (بی ادبی آشکار)
۶. غلط می‌کنی! (بی ادبی آشکار).

۲-۴. پل معلق

۱. اگه می‌خواهی خدمتت رو تمام کنی و بری دنبال کاروندگیت، باید سرتو بندازی پایین (تهدید وجهه منفی مخاطب) و به فکر خودت باشی (تهدید وجهه منفی مخاطب). خیال نکن اینو کسی به تو می‌گه که شیله‌پيله‌ای تو کارشه. نه! این‌ها رو بیشتر به خاطر خودت می‌گم. (تهدید وجهه منفی مخاطب)
۲. از حرف‌های شما سردر نمی‌آرم. (تهدید وجهه مثبت مخاطب)
۳. پس یا خیلی ساده‌ای یا منو خیلی ساده فرض کرده‌ای (بی ادبی منفی؛ به وضوح مخاطب را با ویژگی منفی همراه کردن). مجبورم واضح‌تر بگم، کی تو رو فرستاده این‌جا؟ (بی ادبی منفی؛ به وضوح مخاطب را با ویژگی منفی همراه کردن). یک‌هو از کجا پیدات شد؟ (بی ادبی منفی؛ به وضوح مخاطب را با ویژگی منفی همراه کردن). قراره چه کاری انجام بدی؟ (بی ادبی منفی؛ به وضوح مخاطب را با ویژگی منفی همراه کردن).
۴. هرچه وظیفمه. نگهبانی یا ... (تهدید وجهه منفی مخاطب)
۵. (قطع کلام: بی ادبی منفی؛ ممانعت کردن) پیاپی! (بی ادبی منفی؛ به وضوح مخاطب را با ویژگی منفی همراه کردن).



۳-۱-۴. گردان قاطرچی‌ها

۱. امان از دست تو (تهدید وجهه منفی مخاطب). برای چی سرخود و بی‌جهت سرت رو انداختی پایین و اومدی این‌جا؟ (تهدید وجهه مثبت مخاطب) برای چی به هیشکی خبر ندادی؟ (تهدید وجهه مثبت مخاطب) نگفتی خاله و عموجان نگران میشن و می‌افتن این‌ور و اون‌ور دنبالت گشتن؟ (تهدید وجهه مثبت مخاطب) آخه پسر تو عقل تو کله‌ات نیست؟ (بی‌ادبی منفی؛ به‌وضوح دیگری را با ویژگی منفی همراه کردن)
۲. خودت گفتی قدمت روی چشم، بیا پیش خودم کارات رو راست‌وریس می‌کنم (تهدید وجهه منفی مخاطب). نگفتی فرمانده گردان شدی و دیگه خرت می‌ره و همه حرفت رو گوش می‌کنن؟ (تهدید وجهه منفی مخاطب) نکنه همه حرفات قبی بوده و فقط خواستی خودت رو مهم نشون بدی؟ (تهدید وجهه منفی مخاطب)
۳. عجب بچه پرروئی. (بی‌ادبی منفی؛ به‌وضوح دیگری را با ویژگی منفی همراه کردن) حالا من یه چیز گفتم، تو برای چی باور کردی؟ (تهدید وجهه مثبت مخاطب) برای چی بی‌خبر پا شدی و اومدی؟ (تهدید وجهه مثبت مخاطب)
۴. چند روز پیش که تلفن زدی، بهت گفتم می‌خوام پیام، تو هم گفتی قدمت روی چشم. (تهدید وجهه منفی مخاطب).

۴-۱-۴. گواتی

۱. جواب مرا بده، زنت است؟ (بی‌ادبی مثبت؛ باعث ناراحتی / ناآرامی دیگری شدن)
۲. ها! (تهدید وجهه مثبت مخاطب)
۳. دختر آینه‌ای از جیبش درآورد، آن را به طرف حاج‌بابا گرفت و گفت: تا حالا خودت را توی آینه نگاه کرده‌ای؟ (بی‌ادبی آشکار)
۴. آینه تماشاکردن کار زن‌هاست، نه مردها! (بی‌ادبی منفی؛ تحقیرکردن، خوارشمردن یا مسخره‌کردن)
۵. ولی یک بار نگاه‌کردن جرم نیست، ببین! (بی‌ادبی مثبت؛ باعث ناراحتی / ناآرامی دیگری شدن)
۶. دست بردار خانم تهرانی (بی‌ادبی مثبت؛ نام‌گذاشتن بر شنونده).

۵-۱-۴. من یک مرد عنکبوتی شبیه رستم خواهم شد

۱. باید مویت را کوتاه کنی! (تهدید وجهه منفی مخاطب) یعنی چه که پسر، موی به این بلندی داشته باشد (بی ادبی منفی؛ به وضوح دیگری را با ویژگی منفی همراه کردن). مگر تو دختری؟ (بی ادبی منفی؛ به وضوح دیگری را با ویژگی منفی همراه کردن).
۲. تو هم باید بیایی (بی ادبی آشکار). من تنها نمی روم (بی ادبی آشکار).
۳. چرا، آخر مرد کوچک با دنیای بزرگ، به قول خانم مربی تان، از چی می ترسی؟ (تهدید وجهه مثبت مخاطب)
۴. اصلاً چرا نمی آیی تا موی خودت را هم کوتاه کنی؟ (تهدید وجهه مثبت مخاطب)
۵. من تازه آرایشگاه بوده ام. (ادب مثبت؛ دلیل ارائه کردن (خواستن)) مال تو شده ماهیتابه دوسته. (تهدید وجهه مثبت مخاطب)
۶. نه، یا تو هم می آیی، یا من نمی روم. (بی ادبی مثبت؛ باعث ناراحتی / ناآرامی دیگری شدن).

۵. تحلیل داده ها

فراوانی راهبردهای ادب و بی ادبی در ده رمان نوجوانان فارسی زبان به ترتیب در جدول ۱ مشخص شده است. همان طوری که ملاحظه می شود شخصیت ها در رمان های منتخب در مجموع از ۵۰۹ راهبرد ادب استفاده کرده اند که به ترتیب از هفت راهبرد بیان آشکار ادب، ۲۸۶ راهبرد ادب مثبت، ۲۰۲ استراتژی ادب منفی و چهارده راهبرد بیان مبهم استفاده کرده اند؛ همچنین شخصیت های این رمان های منتخب در مجموع از ۳۰۲ راهبرد بی ادبی استفاده کرده اند که به ترتیب از چهل راهبرد بی ادبی آشکار، ۷۶ راهبرد بی ادبی مثبت، ۱۷۶ راهبرد بی ادبی منفی و نه راهبرد طعنه و یک راهبرد ممانعت از ادب استفاده کرده اند؛ در میان راهبردهای ادب، راهبرد ادب مثبت با فراوانی ۲۸۶ بیشترین فراوانی را دارد و در میان راهبردهای بی ادبی، راهبرد بی ادبی منفی دارای بیشترین فراوانی است. جدول شماره ۲، درصد هریک از این راهبردها را نشان می دهد. همان طوری که ملاحظه می شود شخصیت های رمان ها ۶۲/۷۵٪ از راهبردهای ادب و ۳۷/۲۵٪ از راهبردهای بی ادبی استفاده می کنند.



جدول ۱. فراوانی راهبردهای ادب و بی‌ادبی در ده رمان نوجوانان فارسی‌زبان

Table 1. The Frequency of the (Im)politeness Strategies in the 10 Persian-Speaking Youngster's Novels

بی‌ادبی		ادب			استراتژی‌های ادب و بی‌ادبی						
ممانعت از ادب	طعنه	منفی	مثبت	آشکار	بیان مبهم	منفی	مثبت	بیان آشکار	عنوان رمان‌ها		
۰	۰	۱۳	۶	۳	۳	۱۹	۳۰	۰	۱. لالایی برای دختر مرده	۱	
۱	۰	۳	۵	۱	۲	۲۶	۳۳	۰	۲. طبله‌ی مفتاح غربی	۲	
۰	۶	۳۲	۳	۱	۰	۲۰	۵	۰	۳. پل معلق	۳	
۰	۱	۵۷	۲۱	۱	۰	۲۹	۲۶	۰	۴. کردان قهقریچ‌ها	۴	
۰	۰	۱۲	۹	۰	۲	۱۱	۱۳	۰	۵. من توکر بابا نیستم	۵	
۰	۰	۳	۵	۰	۲	۱۸	۳۲	۷	۶. گرگ‌ها از برف نمی‌ترسند	۶	
۰	۱	۲۰	۷	۱۳	۰	۱۷	۲۱	۰	۷. کولتی	۷	
۰	۰	۱۸	۰	۱۵	۰	۱۳	۲۸	۰	۸. اولین روز تابستان	۸	
۰	۱	۱۵	۱۰	۳	۰	۷	۳۳	۰	۹. من یک مرد عنکبوتی شنبیه رستم خواهم شد	۹	
۰	۰	۰	۱۰	۱	۲	۳۲	۲۳	۰	۱۰. شب کریه‌های چشم سفید	۱۰	
۱	۹	۱۷۶	۷۶	۳۰	۱۳	۲۰۲	۲۸۶	۷	مجموع		
۳۰۲					۵۰۹						

جدول ۲ درصد راهبردهای ادب و بی‌ادبی در ده رمان نوجوانان فارسی‌زبان

Table 2. Percentage of the (Im)politeness Strategies in the 10 Persian-Speaking Youngster's Novels

بی‌ادبی		ادب			استراتژی‌های ادب و بی‌ادبی				
ممانعت از ادب	طعنه	منفی	مثبت	آشکار	بیان مبهم	منفی	مثبت	بیان آشکار	درصد
۱/۱۲	۱/۱۰	۲۱/۷۰	۹/۳۷	۴/۹۳	۱/۷۲	۲۴/۹	۳۵/۲۶	۱/۸۶	
۳۷/۲۵					۶۲/۷۵				

همان‌طورکه در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، به‌طورکلی در رمان‌های نوجوانان فارسی‌زبان، شخصیت‌ها بیشتر از راهبردهای ادب بهره می‌گیرند تا از راهبردهای بی‌ادبی و این با مقدار χ^2 دو و $df=3$ در سطح $(P \leq 0.01)$ تأیید می‌شود. این بدین معنی است که تفاوت معناداری میان استفاده از راهبردهای ادب و راهبردهای بی‌ادبی از سوی شخصیت‌ها

در رمان‌های نوجوانان فارسی‌زبان وجود دارد.

جدول ۳ آزمون خی‌دو جهت بررسی تفاوت میان راهبردهای ادب و بی‌ادبی در

رمان‌های نوجوانان فارسی‌زبان

Table 3. X² Test to survey the difference between the (Im)politeness Strategies in the Persian –Speaking Youngster's Novels

۲۷/۳۰۲	مقدار خی‌دو
۱	درجه آزادی
۰/۰۰۰	سطح معناداری

براساس تجزیه و تحلیل صورت‌گرفته، مشخص شد که شخصیت‌های نوجوان در گفت‌وگوهای میان‌گروهی از راهبردهای ادب کمتر، و از راهبردهای بی‌ادبی بیشتر استفاده می‌کنند. شخصیت‌های نوجوان در مجموع، از ۷۷ راهبرد ادب استفاده کرده‌اند که به ترتیب از چهار راهبرد بیان آشکار ادب، ۴۳ راهبرد ادب مثبت، ۲۹ راهبرد ادب منفی و یک راهبرد بیان مبهم استفاده کرده‌اند (جدول شماره ۴)؛ همچنین شخصیت‌های نوجوان این رمان‌ها در گفت‌وگوهای میان‌گروهی در مجموع، از ۹۵ راهبرد بی‌ادبی استفاده کرده‌اند که به ترتیب از ۱۹ راهبرد بی‌ادبی آشکار، سی راهبرد بی‌ادبی مثبت، ۴۴ راهبرد بی‌ادبی منفی و دو راهبرد طعنه استفاده کرده‌اند.

جدول ۴ فراوانی رعایت راهبردهای ادب از سوی نوجوانان در گفت‌وگوهای درون‌گروهی

Table 4. The Frequency of the Politeness Strategies abided by the Youths in Inter-group communications

نوجوانان با یکدیگر	استراتژی‌های ادب
۲	آشکارا
۲۳	مثبت
۲۹	منفی
۱	مبهم
۷۷	مجموع



جدول ۵ فراوانی راهبردهای بی‌ادبی ازسوی نوجوانان در گفت‌وگوهای درون‌گروهی
Table 5. The Frequency of the Impoliteness Strategies Used by the Youths in Inter-group communications

نوجوانان با یکدیگر	استراتژی‌های بی‌ادبی
۱۹	آشکار
۳۰	مثبت
۲۲	منفی
۲	طعنه
۰	ممانعت از ادب
۹۵	مجموع

جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، این فرض که «نوجوانان از راهبردهای ادب کمتر، و از راهبردهای بی‌ادبی در گفتگوهای میان‌گروهی بیشتر استفاده می‌کنند» با مقدار χ^2 دو ۳۲/۲۱۲ در سطح ($P \leq 0/01$) تأیید می‌شود. این بدین معنی است که میان راهبردهای ادب و بی‌ادبی به‌کارگرفته‌شده ازسوی نوجوانان در گفت‌وگوهای میان‌گروهی تفاوت معناداری وجود دارد و برطبق فراوانی مندرج در جدول شماره ۴ و ۵، در مجموع از راهبردهای بی‌ادبی بیشتری در رمان‌ها استفاده می‌کنند.

جدول ۶ آزمون χ^2 دو جهت بررسی تفاوت میان راهبردهای ادب و بی‌ادبی در برخورد نوجوانان با یکدیگر

Table 6. χ^2 Test to survey the difference between the (Im)politeness Strategies among the Youths Talking Together

۳۲/۲۱۲	مقدار χ^2 دو
۱	درجه آزادی
۰/۰۰۲	سطح معناداری

به همین منوال، براساس تجزیه و تحلیل صورت گرفته، مشخص شد که شخصیت‌های نوجوان در برخورد با دیگر شخصیت‌ها از راهبردهای ادب بیشتر، و از راهبردهای بی‌ادبی کمتر استفاده می‌کنند. شخصیت‌های نوجوان در مجموع، از ۹۴ راهبرد ادب استفاده کرده‌اند که به ترتیب از ۴۳ راهبرد ادب مثبت، ۴۷ راهبرد ادب منفی و چهار راهبرد بیان مبهم استفاده کرده‌اند (جدول شماره ۷)؛ همچنین شخصیت‌های نوجوان این رمان‌های در برخورد با دیگر شخصیت‌ها در مجموع از پنجاه راهبرد بی‌ادبی استفاده کرده‌اند که به ترتیب از شش راهبرد بی‌ادبی آشکار، بیست راهبرد بی‌ادبی مثبت، ۲۳ راهبرد بی‌ادبی منفی و یک راهبرد طعنه استفاده کرده‌اند (جدول شماره ۸).

جدول ۷ فراوانی رعایت راهبردهای ادب از سوی نوجوانان در برخورد با دیگر شخصیت‌ها

Table 7. The Frequency of the Politeness Strategies Used by the Youths in Talking to Other Characters

نوجوانان با دیگر شخصیت‌ها	استراتژی های ادب
۰	آشکارا
۲۷	مثبت
۲۳	منفی
۴	مبهم
۹۴	مجموع

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



جدول ۸ فراوانی راهبردهای بی‌ادبی ازسوی نوجوانان در برخورد با دیگر شخصیت‌ها
Table 8. The Frequency of the Impoliteness Strategies Used by the Youths in Talking to Other Characters

نوجوانان با دیگر شخصیت‌ها	استراتژی‌های بی‌ادبی
۶	آشکار
۲۰	مثبت
۲۳	منفی
۱	طعنه
۰	ممانعت از ادب
۵۰	مجموع

همان‌طورکه در جدول شماره ۹ مشاهده می‌شود، شخصیت‌های نوجوان از راهبردهای ادب بیشتر و از راهبردهای بی‌ادبی کمتر در برخورد با دیگر شخصیت‌ها استفاده می‌کنند و این با مقدار خی‌دو ۲۹/۹۰۹ در سطح ($P \leq ۰/۰۱$) تأیید می‌شود. این بدین معناست که تفاوت معناداری میان استفاده از راهبردهای ادب و بی‌ادبی در برخورد شخصیت‌های نوجوان با دیگر شخصیت‌ها وجود دارد. برطبق فراوانی مندرج در جدول ۷ و ۸ در مجموع، شخصیت‌های نوجوان در برخورد با دیگر شخصیت‌ها از راهبردهای ادب بیشتری استفاده می‌کنند.

جدول ۹ آزمون خی‌دو جهت بررسی تفاوت میان راهبردهای ادب و بی‌ادبی در برخورد نوجوانان با دیگر شخصیت‌ها

Table 9. X^2 Test to survey the difference between the (Im)politeness Strategies among the Youths Talking to Other Characters

۲۷/۹۰۹	مقدار خی‌دو
۱	درجه آزادی
۰/۰۰۰	سطح معناداری

خالق آثار ادبی، به‌ویژه رمان، با درهم‌تنیدن ساخت‌های ایدئولوژیک در اثر خود، خواننده را ناخودآگاه درگیر آن می‌کند. در تحلیل گفتمان انتقادی، «تحلیل گفتمان به‌لحاظ نظری و عملی از سطح توصیف متون به سطح توجیه و تبیین و از سطح بافت خرد (محیط بلافصل، دانش پس‌زمینه) به سطح کلان یعنی جامعه، تاریخ، ایدئولوژی و روابط سیاسی گسترش» می‌یابد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۸-۱۴۳)؛ مؤلفه‌های گفتمان ادب و بی‌ادبی با ایدئولوژی‌های اجتماع خود در تعامل تنگاتنگ هستند و رابطه‌ای دوسویه دارند که بررسی این ساخت‌ها در متون ادبی و داستانی قابل‌تبیین است. ادب و بی‌ادبی زبانی به‌مثابه یک گفتمان در بافت خرد خود (در متن رمان) تولید می‌شود و در خوانش خوانندگان از این متون پیوسته بازتولید شده و این همان ارتباط تنگاتنگی است که گفته می‌شود میان متون در سطح خرد، و اجتماع در سطح کلان وجود دارد. از آنجایی‌که هر اثر ادبی «به‌شدت متأثر از شرایط اجتماعی است که در آن تولید یا تفسیر می‌شود» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۲۱-۲۱۷ به نقل از پوشنه و بابکم‌عین، ۱۳۹۲: ۸) و نیز اینکه «هر متن یا گفته، تبلور دیدگاه‌های فکری-اجتماعی (ایدئولوژی) فرد یا طبقه‌ای خاص است که بازتاب مجموعه‌ای از عقاید، برداشت‌ها و ارزش‌های نظام‌مند جاری در یک جامعه یا بخشی از آن است»، خالق این آثار که ارزش‌های جامعه ایرانی اسلامی را زیسته است، می‌داند برای اینکه اثرش از اقبال خوبی برخوردار باشد، بایستی نگاهی به این ارزش‌ها داشته باشد. بر همین اساس، نویسندگان این ده اثر برگزیده در مجموع بر راهبردهای ادب تأکید ورزیده و سعی کرده‌اند شخصیت‌هایی ارائه کنند که منطبق بر این ارزش‌ها باشند. همان‌طوری‌که مشاهده شد، نویسندگان این آثار در مجموع از ۵۰۲ راهبرد ادب، و تنها از ۳۰۲ راهبرد بی‌ادبی استفاده کرده‌اند.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی داده‌های پژوهش – که برگرفته از ده رمان نوجوانان فارسی‌زبان است – براساس آزمون آماری خی‌دو و در چارچوب نظریه ادب براون و لوینسون (1987) و نظریه بی‌ادبی کالپپر (1996) نشان می‌دهند که در کل گفت‌وگوهای کلیدی در رمان‌های منتخب، شخصیت‌ها در مجموع از ۵۰۹ راهبرد ادب و ۳۰۲ راهبرد بی‌ادبی استفاده کرده‌اند. به عبارتی دیگر، شخصیت‌های رمان‌ها در ۶۲/۷۵٪ موارد از راهبردهای ادب و در ۳۷/۲۵٪ موارد از



راهبردهای بی‌ادبی استفاده کرده‌اند. نتیجهٔ آزمون خی‌دوی انجام‌شده (با مقدار خی‌دو $47/302$ در سطح $(P \leq 0/01)$) تأیید می‌کند که تفاوت معناداری میان استفاده از راهبردهای ادب و راهبردهای بی‌ادبی ازسوی شخصیت‌ها در رمان‌های نوجوانان فارسی‌زبان وجود دارد. به‌بیانی‌دیگر، شخصیت‌ها با اختلاف معنی‌داری از راهبردهای ادب، بیشتر از راهبردهای بی‌ادبی استفاده کرده‌اند. همچنین براساس تجزیه و تحلیل صورت‌گرفته، مشخص شد که شخصیت‌های نوجوان در برخورد با یکدیگر از راهبردهای ادب کمتری (۷۷ راهبرد) استفاده می‌کنند و بیشتر، راهبردهای بی‌ادبی (۹۵ راهبرد) را به‌کار می‌گیرند. در آزمون خی‌دوی انجام‌شده، مشخص شد که نوجوان از راهبردهای ادب کمتر و از راهبردهای بی‌ادبی بیشتر در برخورد با یکدیگر استفاده می‌کنند. این آزمون، با مقدار خی‌دو $32/212$ در سطح $(P \leq 0/01)$ نشان داد که میان راهبردهای ادب و بی‌ادبی به‌کارگرفته‌شده ازسوی نوجوانان در برخورد با یکدیگر تفاوت معناداری وجود دارد؛ اما در همین حال مشخص شد که شخصیت‌های نوجوان در برخورد با دیگر شخصیت‌ها از راهبردهای ادب بیشتر و از راهبردهای بی‌ادبی کمتر استفاده می‌کنند. شخصیت‌های نوجوان در مجموع، از ۹۴ راهبرد ادب و پنجاه راهبرد بی‌ادبی استفاده کرده‌اند. براساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون خی‌دو با مقدار $29/909$ در سطح $(P \leq 0/01)$ مشخص شد که شخصیت‌های نوجوان از راهبردهای ادب بیشتر و از راهبردهای بی‌ادبی کمتر در برخورد با دیگر شخصیت‌ها استفاده می‌کنند.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. P. Brown & S.C. Levinson
2. politeness
3. R.J. Watts
4. (im)politeness
5. face
6. E. Goffman
7. H.P. Grice
8. R. Craig
9. K. Tracy & S. Tracy
10. Lakoff
11. Penman
12. communicative strategies
13. conflict

14. disharmony
15. power
16. social distance
17. gender
18. Zh. Ning
19. A. Kantara
20. House M.D.
21. M. Haugh
22. P. Cutrone
23. S. Murni & M. Solin
24. Y. Febrianuswantoro
25. N. Aydinoglu
26. G. Wibowo & E. Kuntjara
27. negative face
28. positive face
29. face threatening acts (FTAs)
30. bald on-record
31. positive politeness
32. negative politeness
33. off-record
34. G. Leech
35. bald on-record impoliteness
36. positive impoliteness
37. snub
38. negative impoliteness
39. sarcasm or mock politeness
40. withhold politeness

۸. منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اکبری‌پور، احمد (۱۳۸۲). *من نوکر بابا نیستم*. تهران: افق.
- امیریان، داوود (۱۳۹۰). *گردان قاطرچی‌ها*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- بابامرندی، مژگان (۱۳۹۱). *من یک مرد عنکبوتی شبیه رستم خواهم شد*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- بایرامی محمدرضا (۱۳۸۳). *پل معلق*. تهران: افق.



- _____ (۱۳۸۷). *گرگها از برف نمی‌ترسند*. تهران: قدیانی.
- پوشنه، آتنا و مرتضی بابک‌معین (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی شیوه‌ی بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پروند هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی (الگوی ۲۰۰۸ و نلیون)». *جستارهای زبانی*. د ۴، ش ۲، (پیاپی ۱۴)، تابستان. صص ۲۵-۱.
- حاجی‌محمدی، ساناز (۱۳۸۹). *بررسی زبان غیرمؤدبانه بین زنان و مردان فارسی‌زبان تهرانی*. دانشگاه علامه طباطبایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی.
- خانیان، جمشید (۱۳۸۷). *طبقه هفتم غربی*. تهران: افق.
- خانیان، جمشید (۱۳۸۰). *شب گربه‌های چشم‌سفید*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- خدایی‌مقدم، معصومه (۱۳۹۲). *طرحواره ادب و احترام و واژه‌ها و عبارات پرکاربرد مرتبط با آن در زبان فارسی از منظر نظریه براون و لوینسون*. دانشگاه فردوسی مشهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی.
- رفیعی‌سخایی، سودابه (۱۳۹۰). *تحلیل گفتمان ادب در شخصیت‌پردازی و پیشبرد کنش نمایشنامه: مطالعه موردی گزیده‌ای از نمایشنامه‌های ایرانی*. دانشگاه هنر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی.
- شاه‌آبادی، حمیدرضا (۱۳۸۶). *لالایی برای دختر مرده*. تهران: افق.
- شکاری، الهه (۱۳۹۰). *مطالعه زبان و قدرت در گفتمان محل کار فارسی‌زبانان با توجه به صورت‌های خطاب و استراتژی‌های ادب*. دانشگاه تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد هنرهای نمایشی.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- گلشیری، سیامک (۱۳۸۹). *اولین روز تابستان*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- یوسفی، محمدرضا (۱۳۸۲). *گواتی*. تهران: شعله اندیشه.

References:

- Aghagolzade, F. (2006). *Critical Discourse Analysis*. Tehran: Elmi Farhangi [In Persian].
- Ahmadian, M.J. & A. Eslami-Rasekh (2011). "A Comparative study of reprimand strategies: evidence from Iranian and American speech communities". *The Social Sciences* 6 (1). Pp. 1-7.
- Akbarpour, A. (2003). *I'm Not Dad's Servant*. Tehran: Ofogh [In Persian].
- Allami, H. & M. Nekouzadeh (2011). "Congratulation and ositive politeness strategies in Iranian context in theory and practice". *Language Studies*. Vol. 1. No. 11. Pp. 1607-1613.
- Amirian, D. (2011). *The Mule Battalion*. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults [In Persian].
- Aydinoglu, N. (2013). "Politeness and impoliteness strategies: An analysis of gender differences in Gernalyn L. Horton's Plays". *Procedia* 83. Pp. 473 – 482.
- Babamarandi, M. (2012). *I'll Be a Spiderman Like Rostam*. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults [In Persian].
- Bairami, M. (2004). *Floating Bridge*. Tehran: Ofogh [In Persian].
- ————. (2008). *Woolves Do Not Afraid of Snow*. Tehran: Ghadiani [In Persian].
- Behnam, B. & M. Niroomand (2011). "An Investigation of Iranian EFL learners' use of politeness strategies and power relations in disagreement across different proficiency levels". *English Language Teaching*. No. 4. Pp. 204-220.
- Brown, P. & S.C. Levinson (1987). *Politeness: Some Universals in Language Usage*. London: Cambridge University Press.
- Craig, R.; K. Tracy & F. Spisak (1986). "The Discourse of requests: assessment of a politeness approach". *Human Communication Research* 12. Pp. 437-468.
- Culpeper, J. (1996). "Towards an anatomy of impoliteness". *Journal of Pragmatics* 25. Pp. 349–367.



- ———, D. Bousfield & A. Wichmann (2003). “Impoliteness revisited: with special reference to dynamic and prosodic aspects”. *Journal of Pragmatics*. 35 (10/11). pp. 1545–1579.
- Cutrone, P. (2011). “Politeness and face theory: Implications for the backchannel style of Japanese L1/L2 Speakers”. *Language Studies Working Papers*. Vol. 3. Pp. 51-57.
- Eelen, G. (2001). *A Critique of Politeness Theories*. Manchester: St. Jerome.
- Febrianuswantoro, Y. (2012). *The Use of Taboo Words Between Main Characters Seen in Conviction Movie*. English Department, Faculty of Letters, State University of Malang.
- Golshiri, S. (2009). *The First Day of Summer*. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults [In Persian].
- Haji Mohammadi, S. (2009). *Investigating Impoliteness between Tehrani Men and Women*. Allame Tabatabaee University. M.A. Thesis [In Persian].
- Holmes, J. (1995). *Women, Men and Politeness*. London: Longman.
- Haugh, M. (2010). “When is an email really offensive? argumentativity and variability in evaluations of impoliteness”. *Journal of Politeness Research*. Vol. 6(1). Pp. 7-31.
- Kantara, A. (2010). “Impoliteness strategies in house M.D.”. *Lodz Papers in Pragmatics*. 6. 2. Pp. 305-339.
- Khanian, J. (2008). *The Western Seventh Floor*. Tehran: Ofogh [In Persian].
- ———. (2011). *The Night of the White Eyed Cats*. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults [In Persian].
- Khodae Moghaddam, M. (2013). *The Politeness Schema and Its Relative Widely Used Words and Phrases from Brown and Levinson’s Viewpoint*. Ferdowsi University of Mashhad: M.A. Thesis in Linguistics [In Persian].
- Lakoff, R.T. (1989). “The way we were; or, the real actual truth about generative semantics: a memoir”. *Journal of Pragmatics* 13. Pp. 939–988.

- Leech, G. (1983). *Principles of Pragmatics*. London & New York: Longman.
- Mills, S. (2003). *Gender and Politeness*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Murni, S.M. & M. Solin (2012). "Linguistic impoliteness: a small corpus analysis on the use of impolite language by children". *Aceh International Journal of Social Sciences*. 1 (1). Pp. 11-15.
- Ning, Z. (2008). "Analyzing the meaning in interaction in Politeness strategies in scent of a woman". *The Journal of International Social Research*. Vol.1/4. Pp. 630-647.
- Niroomand, M. (2012). "An exploration of upper-intermediate Iranian EFL learners' perception of politeness strategies and power relations in disagreement". *English Language Teaching* 5. No. 10. Pp. 180-191.
- Penman, R. (1990). "Facework and politeness: multiple goals in courtroom discourse". *Journal of Language and Social Psychology* 9. Pp. 15-38.
- Poshne, A. & M. Babak Moein (2013). "A comparative study of Iranian and Western characters in Iran's nuclear energy in International Journals (based on Van Leuven's 2008 model)". *Language Survey*. No.4(2). Pp. 1-25 [In Persian].
- Rafiee Sakhaee, S. (2011). *Politeness Discourse Analysis in Characterization and Plot: A Case Study of Some Iranian Plays*. University of Arts: M.A. Thesis in Linguistics [In Persian].
- Sadeghi, S. (2012). "Application of critical classroom discourse analysis in analyzing classroom interaction". *English Language Teaching* 5. No. 1. Pp. 166-173.
- Salmani Nodoushan, M.A. (2012). "Rethinking face and politeness". *International Journal of Language Studies (IJLS)*. Vol. 6 (4). Pp. 119-140.
- Shahrokhi, M. & J.J. Mohd (2012). "The realization of apology strategies among Persian males". *Procedia* 46. pp. 692-700.
- Shah Abadi, H.R. (2006). *Lullaby for the dead girl*. Tehran: Ofogh [In Persian].



- Shekari, E. (2011). *A Survey of Language and Power in the Persian Speaking Workplaces with Respect to Politeness Strategies and Addressers*. University of Tabriz: M.A. Thesis in Dramatic Arts [In Persian].
- Sifianou, M. (1992). *Politeness Phenomena in England and Greece: A Cross-Cultural Approach*. Oxford: Oxford University Press.
- ————— (2012). “Disagreements, face and politeness”. *Journal of Pragmatics* 44. Pp. 1554–1564.
- Tracy, K. & S.J. Tracy (1998). “Rudeness at 911: reconceptualizing face and face Attack”. *Human Communication Research*. 25 (2). Pp. 225–251.
- Watts, R. J. (2003). *Politeness*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Wibowo, G.P. & E. Kuntjara (2013). “Impoliteness strategies used on online comments in an Indonesian football website”. *International Relations* 1. No. 1. Pp. 166- 173.
- Yoosefi, M. R. (2002). *Govati*. Tehran: Sho’leye Andisheh [In Persian].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 برتال جامع علوم انسانی